

## شاخص‌های روانشنجی مقیاس شخصیت تاریک در دانشجویان

امیر قمرانی<sup>۱</sup>، مریم صمدی<sup>۲</sup>، محدثه تقی نژاد<sup>۳</sup>، عبدالحسین شمس<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف از این تحقیق بررسی روایی و پایایی مقیاس شخصیت تاریک - فرم ۱۲ سؤالی (جانسون و وبستر، ۲۰۱۰) در گروهی از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی (۸۰ دختر و ۶۵ پسر) بود. برای بررسی روایی پرسشنامه از روش‌های همبستگی گویه‌ها با نمره کل (تحلیل مواد)، همبستگی خرده آزمون‌ها با نمره کل و تحلیل عوامل استفاده شد. پایایی مقیاس یاد شده به وسیله روش‌های آلفای کرونباخ و پایایی تنصیفی بررسی گردید. **یافته‌ها:** همبستگی گویه‌ها با نمره کل (۰/۲۲ تا ۰/۸۰) و خرده آزمون‌ها با نمره کل (۰/۷۵ تا ۰/۸۳) در تمام موارد در سطح  $p < 0/01$  معنی دار بود. تحلیل عوامل، ۳ عامل ماکیاولیستی، پسیکوپاتی و خودشیفتگی را نشان داد که در مجموع، ۶۳/۳۰ درصد واریانس شخصیت تاریک را تبیین می‌کند. هم‌چنین ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس برای خرده مقیاس ماکیاولیستی، پسیکوپاتی و خودشیفتگی و نمره کل به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۴۰ و ۰/۶۸ و ۰/۸۱ بدست آمد. ضریب پایایی تنصیفی مقیاس نیز ۰/۷۸ برآورد شد. هم‌چنین مشخص شد که بین دختران و پسران به لحاظ شخصیت تاریک تفاوت معنی داری وجود ندارد. **نتیجه‌گیری:** در مجموع، نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که مقیاس شخصیت تاریک از روایی و پایایی مطلوبی برای سنجش مولفه‌های شخصیت تاریک در ایران برخوردار است.

**واژه‌های کلیدی:** شخصیت تاریک، روایی، پایایی.

<sup>۱</sup> - استادیار گروه روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان

<sup>۳</sup> - دانشجوی دکتری روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان

<sup>۴</sup> - کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان با نیازهای خاص، دانشگاه اصفهان

\* - نویسنده مسوول مقاله: aghamarani@yahoo.com

## مقدمه

یکی از موضوعات رایج در روانشناسی شخصیت، جست و جوی چارچوب‌هایی مستدل و استوار از صفات انسانی بوده است. تا به امروز، سازه‌های متعددی برای بررسی این صفات پیشنهاد شده که هر یک چشم اندازی منحصر به فرد و سازمان یافته را در این رابطه مطرح کرده اند. در این میان سازه شخصیت تاریک (سه تایی تاریک<sup>۱</sup>) به عنوان یک نقطه کانونی در پژوهش‌های اخیر مورد استفاده قرار گرفته است (وسلکا، اسکریمر و ورنون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲). اصطلاح شخصیت تاریک برای اشاره به سه صفت اجتماعی ناپسند؛ ماکیاولی<sup>۳</sup>، خودشیفتگی<sup>۴</sup> و پسیکوپاتی<sup>۵</sup> (جامعه ستیزی) توسط پولهاوس و ویلیام<sup>۶</sup> (۲۰۰۲) مطرح گردید. این سه صفت به نوعی همگی بر شرارت اجتماعی، سردی سردی عاطفی، دورویی و پرخاشگری تمرکز دارند (نقل از جانسون و مک کاین<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲).

تیپ شخصیتی «ماکیاولی» از نظریه «نیکولو ماکیاولی» فیلسوف ایتالیایی قرن پانزدهم میلادی اقتباس شده است و براساس دو دیدگاه عمده: «هدف، وسیله را توجیه می کند» و «صحبت کردن، مطابق میل مردم»، استوار می‌باشد. ماکیاولی تمایل فرد برای فریب دیگران جهت رسیدن به منافع شخصی است (پولهاوس و ویلیام<sup>۸</sup>، ۲۰۰۲). اصطلاح خودشیفتگی از افسانه یونانی نارسیس گرفته شده است، جوانی که عاشق تصویر خود در آب رودخانه شد و تلاش وی برای در آغوش کشیدن خویش منجر به مرگش شد (بانگ و پینسکی<sup>۹</sup>، ۲۰۰۶). شخصیت خودشیفته با نشانه‌های احساس خودبزرگ بینی، اشتغال ذهنی با تخیلات موفقیت، قدرت، استعداد، زیبایی، احساس همه توانی، استثمار در روابط بین فردی و فقدان همدلی مشخص می‌شود (کاپلان و سادک<sup>۹</sup>، ۲۰۰۷). پسیکوپاتی اولین اختلال شخصیتی شناخته شده در روانپزشکی بوده که تاریخچه بالینی طولانی دارد. پسیکوپاتی یک اختلال شخصیتی متداعی شده با مشکلات رفتاری و اجتماعی متعدد است که پیش آگهی قابل انتظارضعیفی در بین اختلالات شخصیتی دارد. پسیکوپات‌ها در کل با عباراتی همچون نداشتن احساس گناه و پشیمانی و سطوح بالای تکانشوری توصیف می‌شود (هیل<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴). شود(هیل<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴).

در سال‌های اخیر، تلاش‌های زیادی در جهت پرداختن به سازه شخصیت تاریک شده است. در روان شناسی تکاملی (تئوری تکامل انطباقی) چارچوبی جهت شرح پدیده‌ای و تکامل صفات تاریک

1- Dark Triad personality

2- Veselka, Schermer& Vernon

3- Machiavellianism

4- narcissism

5- psychopathy

6-Paulhus& Williams

7-Jonason& McCain

8- Young&Pinksy

9- Hill

در چارچوب روابط انسانی مورد استفاده قرار گرفته است. برای مثال، نتایج پژوهشی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که سطوح بالای شخصیت تاریک در افراد با دستکاری در محیط کار<sup>۱</sup>، (جانسون، اسلمسکی، پارتیکا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲)، تمایل بیش‌تر به استفاده از مواد مخدر (جانسون، کوئینگ و تاست، ۲۰۱۰)، شوخی‌های ظلمانی<sup>۳</sup> (وسلکا<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۰)، تکانشگری و هیجان‌خواهی (کریسل، کراسیر و وبستر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۳) همراه است. علاوه بر بررسی این صفات در چارچوب روابط انسانی، کاوانا<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان دادند که افراد با سطوح بالای شخصیت تاریک نگرش‌های مثبت کمتر و اعمال همراه با ظلم و ستم بیش‌تری را نسبت به حیوانات نشان می‌دهند. آنها بیان می‌کنند که رفتارها و نگرش‌های وابسته به صفات تاریک تنها محدود به روابط انسانی نیست و کلیه روابط دیگر را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد. هم‌چنین در این زمینه پژوهش‌های دیگری نیز صورت گرفته است که نشان می‌دهد، ارتباط بین صفات تاریک و رفتار جفت‌گیری در مردان نسبت به زنان قوی‌تر است. در واقع صفات تاریک تفاوت‌های جنسی را در رفتار جفت‌گیری تعدیل می‌کند. این یافته‌ها در راستای این دیدگاه است که بیان می‌کند صفات تاریک شخصیت یک جفت‌گیری استثماری را برای مردان فراهم می‌کند (جانسون، وبستر و اشمیت، ۲۰۰۹).

هم‌چنین نتایج برخی از مطالعات حاکی از آن است که افراد دارای شخصیت تاریک، نقایص هوشی و شناختی بیش‌تری را نشان می‌دهند (لیکن، ۱۹۹۵؛ نقل از جانسون و مک‌کاین، ۲۰۱۲)، برای مثال افراد دارای سابقه رفتار متخلفانه و مجرمانه در آزمون‌های هوش نمرات پایینی را کسب کردند (لی نام<sup>۷</sup> و همکاران، ۱۹۹۳؛ کابرو<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). اگرچه افراد ماکیاولی خود را زیرک و حسابگر در نظر می‌گیرند، اما نتایج نشان می‌دهد که ماکیاولیستی به جای آنکه با هوش عمومی در ارتباط باشد، بیش‌تر با انواع خاصی از توانایی‌های ذهنی همچون ذهن خوانی و هوش هیجانی در ارتباط است (جان و پولهاوس، ۲۰۱۱). اگرچه جنبه‌هایی از این صفات با تکانشگری، کوتاه بینی و نقص در استدلال انتزاعی همراه است اما الزاما در افراد دارای نقایص شناختی رایج و شایع نیستند (ابویل<sup>۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۳). با این حال، ابویل و همکاران (۲۰۱۳) در فراتحلیلی اظهار داشتند که رابطه‌ای بین هوش عمومی و صفات تاریک شخصیت وجود ندارد و عوامل دیگری همچون سن،

<sup>1</sup>-Manipulation within the workplace

<sup>2</sup>-Jonason, Slomski & Partyka

<sup>3</sup>-dark humor

<sup>4</sup>-Veselka

<sup>5</sup>-Crysel, Crosier & Webster

<sup>6</sup>-Kavanagh

<sup>7</sup>-Lynam

<sup>8</sup>-Chabrol

<sup>9</sup>-O'Boyle

جنس، نمونه و ابزار اندازه‌گیری در این میان نیز نقش دارند. در پژوهش‌های دیگری نیز به بررسی رابطه بین صفات تاریک شخصیت و رگه‌های دیگر شخصیت پرداخته شده است. پولهاوس و ویلیام (۲۰۰۲) در تحقیقی نشان دادند که خودشیفتگی با برونگرایی و باز بودن برای تجربه، همبستگی مثبت و با توافق پذیری ارتباط منفی دارد. هم‌چنین یافته‌های آنها نشان داد ماکیا ولی با توافق پذیری و وجدان رابطه منفی دارد. از دیگر یافته‌های این تحقیق ارتباط مثبت پسیکوپاتی با برونگرایی و باز بودن برای تجربه و ارتباط منفی آن با وجدان، توافق پذیری و روان رنجوری بود. این نتایج با یافته‌های لی و آشتون<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) همخوان است.

سامر و همکاران (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی به پیش بینی صفات تاریک شخصیت از طریق استفاده از تئوئیترا پرداختند. نتایج آنها نشان داد؛ نمرات بالا در سطوح پسیکوپاتی و ماکیاولی با فحاشی و پرخاشگری بیش‌تر کاربران همراه بود و هر دوی این صفات ارتباط منفی و معنی داری با هیجانات مثبت داشتند. هم‌چنین خودشیفتگی از یک سو با تعداد زیاد دوستان و از سوی دیگر با سطوح بالای اعمال نفوذ بر دیگران از طریق رفتارهای آنلاین همراه بود.

کمپبل، رادیچ و سدیکایدز<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) نیز اظهار می‌دارند که سطوح بالای شخصیت تاریک در افراد، افراد، با سطح پایین رفتار همدلانه همراه است و این افراد علاقه‌مند به حفظ روابط بلند مدت و رضایت زناشویی نیستند. هم‌چنین آنها در ادامه بیان می‌کنند که ماکیاولی با بی‌قیدی در رفتار جنسی و رفتار جنسی اجباری همراه است و خودشیفتگی نیز تمایلات جنسی نامحدود و سطوح بالای خیانت را در پی دارد. از سوی دیگر، نتایج نشان می‌دهد که نمرات بالا در صفات تاریک با شریک جنسی بیش‌تر و همسرانی برای کوتاه مدت همراه است. هم‌چنین نتایج پژوهش کمپبل و همکاران (۲۰۰۹) گویای آن است که نمرات بالا در صفات تاریک شخصیت با سطوح پایین تحول اخلاقی همراه است. در مجموع سطوح بالای پسیکوپاتی و ماکیاولیستی با سطوح پایین تحول اخلاقی همراه است.

صرف نظر از پژوهش‌های فوق الذکر، در برخی تحقیقات نیز به نقش تفاوت‌های جنسیتی در صفات تاریک اشاره شده است. در مجموع، بررسی پژوهش‌های انجام شده پیرامون این تفاوت‌های جنسیتی مؤید آنست که بین زنان و مردان در صفات تاریک تفاوت معناداری وجود دارد و مردان نسبت به زنان سطوح بالاتری از شخصیت تاریک را نشان می‌دهند (جانسون و وبستر، ۲۰۱۰؛ کاوانا و همکاران، ۲۰۱۳).

علی‌رغم اهمیت این سازه و پژوهش‌های متعدد مربوط به آن تا سال ۲۰۱۰ ابزاری معتبر و مناسب برای سنجش آن ایجاد نشده بود. به عنوان نمونه در اغلب پژوهش‌ها برای سنجش صفات تاریک

<sup>۱</sup>- Lee & Ashton

<sup>۲</sup>-Campbell, Rudich&Sedikides

از افراد خواسته می‌شد ۹۱ گویه را در سه مقیاس مجزا که شامل مقیاس ماکیاولیستی- ویرایش چهارم (کریستی و گیس، ۱۹۷۰)، پرسشنامه شخصیت خودشیفته- ۴۰ سوالی (راسکین و تری، ۱۹۸۰) و مقیاس خودگزارشی پسیکوپاتی (ویلیام و همکاران، ۲۰۰۳) بود، پاسخ دهند. هم- چنین در برخی از پژوهش‌ها از مقیاس سه تایی تاریک- ۲۸ سوالی (پولهاوس و ویلیام، ۲۰۰۲) که شامل سه خورده مقیاس ماکیاولیستی (۱۰ گویه)، خودشیفتگی (۹ گویه) و پسیکوپاتی (۹ گویه) می- باشد، استفاده شده است. جانسون و وبستر (۲۰۱۰) اظهار می‌دارند مطلوبیت اجتماعی مغرضانه، ویژگی‌های روانسنجی نامطلوب (همسانی درونی پایین)، وقت گیر بودن و... از نقاط ضعف اساسی این ابزارهاست. جانسون و وبستر (۲۰۱۰) با در نظر گرفتن این موارد، مقیاس سه عاملی شخصیت تاریک را با ۱۲ گویه طراحی نمودند. عوامل این مقیاس عبارتند از: ماکیاولیستی، پسیکوپاتی و خودشیفتگی که هر کدام دارای ۴ گویه می‌باشد. در این مطالعه ضریب همسانی درونی ۰/۸۳ به دست آمد. هم‌چنین پایایی آزمون از طریق ضریب بازآزمایی، ضریب بازآزمایی ۰/۷۶ تا ۰/۸۷ را نشان دادند. لازم به ذکر است که تا کنون از این مقیاس در چندین پژوهش استفاده شده است (گارتز و همکاران، ۲۰۱۴؛ وبستر و جانسون، ۲۰۱۳؛ جانسون و مک کاین، ۲۰۱۲) که در پژوهش- های فوق الذکر ضریب همسانی درونی ۰/۸۶ تا ۰/۷۰، ضریب بازآزمایی ۰/۹۱ تا ۰/۷۸ و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ گزارش شده است.

با توجه به جدید بودن مقیاس شخصیت تاریک از یکسو و با توجه به اینکه تاکنون مقیاس مذکور در ایران استاندارد سازی نشده بود، لذا بررسی روایی و پایایی مقیاس شخصیت تاریک (جانسون و وبستر، ۲۰۱۰) کانون هدف مطالعه حاضر قرار گرفت.

## روش

این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی بود که با هدف اعتباریابی آزمون انجام شد. جامعه آماری مورد بررسی در این پژوهش عبارت از کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان بودند. در این تحقیق نمونه‌ای مشتمل بر ۱۴۵ نفر با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. یکی از نقطه نظرات مطرح در حجم نمونه در تحلیل عاملی، اینست که حداقل حجم نمونه برابر با ۱۰ الی ۲۰ آزمودنی برای هر ماده می‌باشد (هومن، ۱۳۸۱)، که باتوجه به اینکه در این تحقیق مقیاس شخصیت تاریک دارای ۱۲ گویه بود لذا کفایت حجم نمونه برای انجام تحلیل عاملی مورد تأیید می‌باشد.

## ابزار پژوهش

مقیاس شخصیت تاریک توسط جانسون و وبستر (۲۰۱۰) طراحی شده است و مشتمل بر ۱۲ گویه می‌باشد که به صورت ۱ (اصلا مرا توصیف نمی‌کند) تا ۳ (کاملا مرا توصیف می‌کند) نمره گذاری می‌شود. این مقیاس یک مقیاس خود-گزارشی سه عاملی است که شامل ماکیاولیستی (۴ گویه)، پسیکوپاتی (۴ گویه) و خودشیفتگی (۴ گویه) می‌باشد. ضمن آنکه گویه شماره ۷ به صورت معکوس

نمره گذاری می‌گردد. در این تحقیق پس از ترجمه مقیاس توسط محققین و ترجمه معکوس توسط دو نفر از دانشجویان دکتری زبان انگلیسی، ترجمه فارسی با اخذ نظر از اساتید روانشناسی تهیه شد.

### یافته‌ها

نمونه حاصله متشکل ۱۴۵ نفر، ۶۵ (۴۴/۸ درصد) پسر ۸۰ (۵۵/۲ درصد) دختر بود. هم‌چنین میانگین سنی افراد نمونه ۲۲/۵۹ و انحراف معیار ۳/۰۱ بود.

### روایی:

برای تعیین روایی آزمون از ۳ روش همبستگی گویه‌ها با نمره کل (تحلیل مواد)، ضریب همبستگی خرده آزمون‌ها با نمره کل و تحلیل عوامل استفاده شد. به منظور تحلیل مواد پرسشنامه و هم‌چنین ضریب همبستگی خرده آزمون‌ها با نمره کل، از همبستگی بین نمرات آزمونی‌ها در هر گویه و هر خرده آزمون با نمره آنها در کل پرسشنامه شخصیت تاریک استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۱، ارائه شده است.

جدول ۱: تحلیل مواد و همبستگی خرده مقیاس‌ها با نمره کل مقیاس شخصیت تاریک

شماره گویه	ضریب همبستگی با نمره کل
۱	۰/۷۹
۲	۰/۷۷
۳	۰/۶۳
۴	۰/۸۰
۵	۰/۶۶
۶	۰/۵۴
۷	۰/۲۲
۸	۰/۴۳
۹	۰/۴۱
۱۰	۰/۶۲
۱۱	۰/۵۰
۱۲	۰/۶۳
خرده مقیاس ماکیاولیستی	۰/۸۳
خرده مقیاس پسکوپاتی	۰/۷۶
خرده مقیاس خودشیفتگی	۰/۷۵

نکته: کلیه ضرایب در سطح  $p < 0/01$  معنی دار بودند.

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که ضرایب همبستگی گویه‌ها با نمره کل در تمام موارد معنی دار بود. هم‌چنین ضریب همبستگی بین خرده مقیاس ماکیاولیستی با نمره کل ۰/۸۳، خرده مقیاس پسیکوپاتی با نمره کل ۰/۷۶ و خرده مقیاس خودشیفتگی ۰/۷۵ برآورد گردید. به منظور انجام تحلیل عاملی مقیاس شخصیت تاریک، ابتدا شاخص KMO که گویای کفایت نمونه‌گیری است بررسی شد. این شاخص برابر با ۰/۷۷ محاسبه شد. هم‌چنین آزمون بارتلت برابر ۸۷۱/۵۳۲ بود که در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار بود و حکایت از معنی داری ماتریس همبستگی داده‌ها داشت.

### جدول ۲: نتایج تحلیل عاملی مقیاس شخصیت تاریک

گویه ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم
من عادت دارم برای رسیدن به اهدافم دیگران را به بازی بگیرم.	۰/۸۸		
من معمولا برای رسیدن به اهدافم دیگران را فریب می دهد	۰/۹۰		
۳. من از چلپوسی و تملق برای رسیدن به اهدافم استفاده می کنم.	۰/۸۵		
۴. من برای رسیدن به اهدافم تمایل به سوء استفاده از دیگران دارم.	۰/۸۶		
۵. من معمولا بعد از انجام کارهای ناپسند احساس پشیمانی نمی کنم.			۰/۵۴
۶. من معمولا در کارهایم به اصول اخلاقی پایبند نیستم.			۰/۷۰
۷. من معمولا فردی با احساس و مهربان هستم.			-۰/۶۴
۸. من معمولا بد گمان هستم.			۰/۴۵
۹. من دوست دارم که دیگران از من تعریف و تمجید کنند.	۰/۷۷		
۱۰. من ترجیح می دهم طوری رفتار کنم که توجه دیگران را به خودم جلب کنم.	۰/۶۸		
۱۱. من به دنبال شهرت و مقام هستم.			۰/۵۱
۱۲. من دوست دارم همیشه دیگران به من توجه کنند.			۰/۸۲
مقدار ارزش ویژه	۴/۶۴	۱/۷۱	۱/۲
درصد واریانس تبیین شده	۳۱/۳۱	۱۹/۷۱	۱۲/۲۷
درصد جمععی واریانس تبیین شده	۶۳/۳۰		

بر پایه نتایج بدست آمده از اجرای تحلیل عاملی با استفاده از روش تحلیل مؤلفه‌های اصلی ۳ عامل با ارزش ویژه بزرگ‌تر از یک استخراج شد که بر روی هم ۶۳/۳۰ درصد واریانس کل مقیاس را تبیین می‌کند. بدین ترتیب، با چرخش واریماکس، ۳ عامل (بر اساس درصد واریانس ارزش ویژه)،

شخصیت ماکیاولیستی، خودشیفتگی و پسیکوپاتی شناسایی و تأیید شد. این نتایج روایی سازه مقیاس شخصیت تاریک را به عنوان یک مقیاس اثر بخش مورد تأیید قرار داد. همان‌گونه که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، عامل اول "ماکیولیستی" ۳۱/۳۱ در صد، عامل دوم "خودشیفتگی" ۱۲/۲۷ و عامل سوم "پسیکوپاتی" ۱۹/۷۱ درصد در صد واریانس شخصیت تاریک را تبیین می‌کند. به طور کلی سه عامل ۶۳/۳۰ درصد واریانس شخصیت تاریک را تبیین می‌کند.

### پایایی:

به منظور مطالعه پایایی مقیاس، از روش‌های همسانی درونی و پایایی تنصیفی استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول ۳: ضرایب آلفای کرونباخ و پایایی تنصیفی مقیاس شخصیت تاریک

شاخص پایایی	ضریب آلفای کرونباخ	ضریب پایایی تنصیفی
خرده مقیاس ماکیاولیستی	۰/۹۲	-
خرده مقیاس خودشیفتگی	۰/۶۸	-
خرده مقیاس پسیکوپاتی	۰/۴۰	-
کل مقیاس شخصیت تاریک	۰/۸۱	۰/۷۸

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که ضرایب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس، خرده مقیاس ماکیاولیستی، خرده مقیاس خودشیفتگی و خرده مقیاس پسیکوپاتی به ترتیب ۰/۸۱، ۰/۹۲، ۰/۶۸ و ۰/۴۰ می‌باشند. هم‌چنین ضریب پایایی تنصیف مقیاس شخصیت تاریک نیز ۰/۷۸ برآورد گردید.

### مقایسه دختران و پسران در مقیاس شخصیت تاریک

به منظور مقایسه نمرات دختران و پسران در مقیاس شخصیت تاریک مولفه‌های آن از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد. نتایج این تحلیل در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- مقایسه دانشجویان پسر و دختر بر اساس مقیاس شخصیت تاریک

شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	T	سطح معنی داری
پسر	۱۹/۵۵	۴/۰۳	۱۴۳	-۰/۱۱	۰/۹
دختر	۱۹/۴۷	۴/۰۰۳			

نتایج جدول فوق نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات دختران و پسران در مقیاس شخصیت تاریک تفاوت معنادار وجود ندارد.

### بحث و نتیجه گیری



در سال‌های اخیر، یک روند رو به رشد در ارزیابی‌های روانشناختی، جهت طراحی و ساخت مقیاس‌های کوتاه و مختصر برای سنجش ویژگی‌های اصلی شخصیت به وجود آمده است، لذا این تحقیق با هدف بررسی پایایی، روایی و تعیین ساختار عاملی مقیاس شخصیت تاریک- فرم ۱۲ سوالی بر روی دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه اصفهان انجام شد. اهمیت این تحقیق با عطف نظر به عدم وجود مقیاس مذکور در ایران و هم‌چنین تأثیرات شخصیت تاریک در حوزه‌های آسیب‌شناسی روانی، روانشناسی اجتماعی، شخصیت، شناختی و تکاملی بیش از پیش مشخص می‌شود (پولهاوس و ویلیام، ۲۰۰۲؛ لی و آشتون، ۲۰۰۵؛ جانسون، اسلمسکی، پارتیکا، ۲۰۱۲؛ وای و تیلیو پالوس، ۲۰۱۲).

بر اساس نتایج بدست آمده مقیاس شخصیت تاریک یک ابزار قابل اعتماد برای بررسی و سنجش صفات تاریک شخصیت است. نتایج تحلیل عاملی به روش تحلیل مولفه‌های اصلی نشان داد که مقیاس شخصیت تاریک یک مقیاس چندبعدی و دارای ۳ عامل که به ترتیب سهم آنها در تبیین واریانس شخصیت تاریک عبارت از: ۱- ماکیاولیستی، ۲- خودشیفتگی و ۳- پسیکوپاتی بودند. نتایج این تحقیق در خصوص ساختار ۳ عاملی مقیاس شخصیت تاریک با نتایج تحقیق جانسون و وبستر (۲۰۱۰) همسو و همخوان بود. در خصوص ساختار ۳ عاملی نتایج فوق، در مورد ترتیب ۳ عامل مغایر با نتایج جانسون و وبستر (۲۰۱۰) می‌باشد. ترتیب ۳ عامل شخصیت تاریک در پژوهش آنها عبارتند از:

#### ۱- ماکیاولیستی، ۲- پسیکوپاتی و ۳- خودشیفتگی

نتایج پژوهش در مورد پایایی مقیاس شخصیت تاریک به دو روش همسانی درونی (آلفای کرونباخ) و ضریب تنصیف نشان داد که این مقیاس و خرده مقیاس‌های آن (بخصوص؛ ماکیاولیستی و خودشیفتگی) از ضریب پایایی مناسبی برخوردار می‌باشد. نتایج پژوهش در خصوص پایایی نیز با نتایج تحقیقات گارتر و همکاران (۲۰۱۴)، وبستر و جانسون (۲۰۱۳) و جانسون و مک کاین (۲۰۱۲) هماهنگ بود.

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در مقیاس شخصیت تاریک، عدم وجود تفاوت معنی دار بین دختران و پسران نشان داد. این یافته با یافته‌های سایر پژوهش‌های انجام شده در این خصوص (جانسون، ۲۰۱۰؛ کاوانا و همکاران، ۲۰۱۳) مغایر است.

به طور کلی از نتایج حاصل از روایی و پایایی مقیاس، گویای کفایت روانسنجی مطلوب مقیاس بود. این مقیاس، یک پرسشنامه خودسنجی است که با وجود تعداد گویه‌های کم درک مناسبی از صفات تاریک شخصیت بدست می‌دهد. این ویژگی (ایجاز پرسشنامه) در راستای تأکیدات متخصصین روانسنجی است که معتقدند مختصر کردن پرسشنامه در صورتیکه روایی و پایایی آنها در سطح مطلوب قرار گیرد، موجب افزایش کارایی آنها در زمینه‌های پژوهشی و بالینی شده و بر امتیازات آن

می‌افزاید (آناستازی، ۱۹۸۲). پرسشنامه‌های طولانی معمولاً محقق را در مرحله اجرا دچار مشکلاتی می‌کنند، چرا که بسیاری از آزمودنی‌ها فاقد سطح انگیزشی و حوصله کافی جهت تکمیل پرسشنامه‌های بلند هستند (راسل، پیولا و فرگوسن، ۱۹۷۸؛ نقل از قمرانی و همکاران، ۱۳۸۸). از سوی دیگر این تحقیق همانند هر پژوهش دیگری که از پرسشنامه‌های مدادی- کاغذی استفاده می‌نماید در دستیابی به نتایج صادقانه دارای محدودیت می‌باشد. همچنین محدود بودن گروه نمونه دانشجویان، عدم وجود مقیاس مشابه برای احراز روایی همزمان مقیاس از دیگر محدودیت‌های این پژوهش می‌باشد. با توجه به اینکه نتایج حاصل از تحلیل عوامل مقیاس، سه عامل ماکیاولیستی، خودشیفتگی و پسیکوپاتی را مشخص نمود، لذا پیشنهاد می‌شود که محققین آتی به بررسی و مقایسه ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس در گروه‌های خاص بالینی و افراد غیر بالینی بپردازند. هم-چنین با توجه به اهمیت این سازه، پیشنهاد می‌گردد روایی و پایایی این مقیاس در سایر رده‌های سنی و شناسایی نقاط برش، حساسیت و ویژگی آن در پژوهش‌های آتی مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

## منابع

- سادوک، ب. ویرجینیا، آ. (۲۰۰۷). خلاصه روانپزشکی علوم رفتاری، روانپزشکی بالینی. رضاعی، فرزین. (۱۳۸۸). انتشارات ارجمند.
- قمرانی، امیر؛ کجیاف، محمدباقر؛ عریضی، حمیدرضا؛ امیری، شعله (۱۳۸۹). بررسی روایی و پایایی پرسشنامه قدردانی در میان دانش آموزان دبیرستانی. پژوهش در سلامت روانشناختی. ۳، ۱، ۸۶-۷۷.
- Anastasi, A. (1982). "*Psychological testing*". (5 thed) . New York : MacMillan.
- Campbell, J., Schermer, J., Villani, V., Nguyen, B., Vickers, L., Vernon, Ph.(2009). A Behavioral Genetic Study of the Dark Triad of Personality and Moral Development. *Twin Research and Human Genetics* .12 , 2. 132-136.
- Campbell, W. K., Rudich, E. A., & Sedikides, C. (2002). Narcissism, self-esteem, and the positivity of self-views: Two portraits of self-love. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28, 358-368.
- Carter, G. L., Campbell, A. C., Muncer, S. (2014). The Dark Triad personality: Attractiveness to women. *Personality and Individual Differences* 56 , 57-61.
- Chabrol, H., van Leeuwen, N., Rodgers, R., & Séjourné, N. (2009). Contributions of psychopathic, narcissistic, Machiavellian, and sadistic personality traits to juvenile delinquency. *Personality and Individual Differences*, 47, 734-739.
- Hill, C., Neumann ,C., Rogers, R.(2004). Confirmatory Factor Analysis of the Psychopathy Checklist: Screening Version in Offenders With Axis I Disorders. *Psychological Assessment*, 16, 90-95.
- Jonason , P K., McCain, J.(2012). Using the HEXACO model to test the validity of the Dirty Dozen measure of the Dark Triad. *Personality and Individual Differences*. 53 , 935-938.
- Jonason, P. K., Webster, G. D.(2010). The Dirty Dozen: A Concise Measure of the Dark Triad. *Psychological Assessment*. 22, 2, 420-432.
- Jonason, P. K., Koenig, B. L., & Tost, J. (2010). Living a fast life: The Dark Triad and lifehistory theory. *Human Nature*, 21, 428-442.
- Jonason, P. K., Li, N. P., Webster, G. W., & Schmitt, D. P. (2009). The Dark Triad: Facilitating short-term mating in men. *European Journal of Personality*, 23, 5-18.

Jonason, P. K., Slomski, S., & Partyka, J. (2012). The Dark Triad at work: How toxic employees get their way. *Personality and Individual Differences*, 52, 449–453.

Jones, D. N., & Paulhus, D. L. (2011). The role of impulsivity in the Dark Triad of personality. *Personality and Individual Differences*, 51, 679–682.

Kavanagh, Ph.S., Signal, T. D., Taylor, N. (2013). The Dark Triad and animal cruelty: Dark personalities, dark attitudes, and dark behaviors. *Personality and Individual Differences* .55, 666–670.

Lee, K., & Ashton, M. C. (2005). Psychopathy, Machiavellianism, and narcissism in the five-factor model and the HEXACO model of personality structure. *Personality and Individual Differences*, 38, 1571–1582.

Lynam, D., Moffitt, T., & Stouthamer-Loeber, M. (1993). Explaining the relation between IQ and delinquency: Class, race, test motivation, school failure, or self-control? *Journal of Abnormal Psychology*, 102, 187–196.

O'Boyle, E.H., Forsyth, D., Banks, G. C., Story, P. A. (2013). A meta-analytic review of the Dark Triad–intelligence connection. *Journal of Research in Personality* 47 , 789–794.

Paulhus, D. L., & Williams, K. M. (2002). The dark triad of personality: Narcissism, Machiavellianism, and psychopathy. *Journal of Research in Personality*, 36, 556–563.

Sumner, Ch., Byers, A., Boochever, R., Park, G. J. (2012). *Predicting Dark Triad Personality Traits from Twitter usage and a linguistic analysis of Tweets*. 11<sup>th</sup> International Conference on Machine Learning and Applications ICMLA.

Veselka, L., Schermer, J. A., & Vernon, P. A. (2012). The Dark Triad and an expanded framework of personality. *Personality and Individual Differences*. 53 , 417–425.

Veselka, L., Schermer, J. A., Martin, R. A., & Vernon, P. A. (2010). Relations between humor styles and the Dark Triad traits of personality. *Personality and Individual Differences*, 48, 772–774.

Wai, M., Tiliopoulos, N. (2012). The affective and cognitive empathic nature of the dark triad of personality. *Personality and Individual Differences* 52 , 794–799.

Webster, G.D., & Jonason, P.K. (2013). Putting the “IRT” in “Dirty”: Item response theory analyses of the Dark Triad Dirty Dozen—An efficient measure of narcissism, psychopathy, and Machiavellianism. *Personality and Individual Differences*, 54, 302–306.

Young, S. M., & Pinsky, D. (2006). Narcissism and celebrity. *Journal of Personality Research*, 40, 463-471.